

بررسی روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان و عوامل موثر بر آن^۱ (مطالعه موردی: دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه هفت کشور)

طیبه بلوردی*، زهیر مصطفی بلوردی**

(تاریخ دریافت ۹۱/۰۴/۱۰، تاریخ پذیرش ۹۱/۰۸/۱۷)

چکیده: بررسی‌ها حکایت از آن دارد که آن چه در کانون توجه برداشت‌های تجربی صورت گرفته از مشارکت قرار دارد؛ پرداختن به سنجه‌های میزان و فعالیت مشارکتی و در برخی نیز بررسی موانع آن است. این نوشتار ضمن تأکید بر چنین تحقیقاتی، با اولویت بندی سنجه‌های مشارکت، روحیه مشارکت‌جویی را اولویت نخست خود در آسیب‌شناسی این موضوع دانسته و با رجوع به مباحث نظری و برساختن مفاهیم فایده‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، رضایت از زندگی، تقابل ارزشی، افول باورهای دینی و اعتماد با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای آن‌ها را در ۴۰۰ پرسش‌نامه میان دانشجویان منطقه هفت دانشگاه‌های آزاد اسلامی کشور (یعنی استان‌های کرمان و هرمزگان) به محک آزمون نهاده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که به استثناء متغیر رضایت از زندگی، تمامی پیش‌فرض‌ها معنادارند. هرچند که میزان و جهت تأثیرگذاری شان متفاوت است. همچنین ضریب رگرسیون دلالت بر سهم بیشتر متغیرهای افول باورهای دینی، تقابل ارزشی و اعتماد اجتماعی در تغییرات متغیر وابسته است.

۱. این نوشتار تلخیصی است از گزارش نهایی طرحی تحقیقاتی به عنوان «آسیب‌شناسی روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان» که در قالب یکی از پروژه‌های مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان و با حمایت مالی آن معاونت انجام یافته است.

* هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان (نویسنده مسئول).

t.balvardi@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل و عضو پژوهش سرای ابن سینا کرمان

mostafa.balvardi@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص. ۵۷-۸۲

مفاهیم کلیدی: روحیه مشارکت‌جویی، فایده‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، رضایت از زندگی، افول باورهای دینی، اعتماد اجتماعی.

مقدمه

امروزه سازمان‌های دانشگاهی و آموزش عالی نظیر سایر نهادهای اجتماعی- فرهنگی، جهت مقابله خردمندانه با چالش‌ها و پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، می‌بایست توجه ویژه‌ای به برخی از اهداف، وظایف و کارکردهای شان را در سرلوحه کار خویش قرار دهند. یکی از برجسته‌ترین این کارکردها و اهداف، فرهنگ و تبیین رابطه آموزش عالی با فرهنگ و نیازهای جدید جامعه است. این منظر، بیان‌گر آن است که پرداختن به نقش فرهنگ در توسعه حال و آینده هر نهادی، راهبردی است. بر ساخته نمودن و تجلی این هدف، مستلزم آگاهی و شناخت از فرصت‌ها، محدودیت‌ها و تهدیدها در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی است. چراکه قرار گرفتن در تقابل دو گانه «سنت/تجدد»، بر شدت تهدیدات و تعارضات روابط اجتماعی جامعه ما افزوده است. تزلزل ارزش‌ها و باورهای پیشین جامعه و عدم شکل‌گیری نظم و ارزش‌های جدید (منطقی، ۱۳۸۳)، زمینه‌ساز حادث شدن ابهام‌هایی درباره درستی یا نادرستی روابط اجتماعی به ذهن کنشگران جوان جامعه است. ابهام‌هایی که می‌تواند مقدمه شکل‌گیری ذهنیت منفی آنان نسبت به اقدامات و طرح‌های برنامه ریزان اجتماعی، افول روحیه مشارکت‌جویی و در نهایت کناره‌گیری یا مقاومت در برابر فرهنگ رسمی را در پی داشته باشد. رخدادی که از یک طرف به دلیل آسیب دیدن کنش‌های مبتنی بر سنت و از طرف دیگر، شکل نگرفتن برهمکنش‌های جدید، پدیده‌ای «آسیب‌مند» است. زیرا با توجه به نقش عاملیت انسانی^۱ در حوزه‌های مختلف اجتماعی، روحیه مشارکت‌جویی در قالب نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی ضامن بقا و دوام یک جامعه خواهد بود. بدون شک یکی از حائز اهمیت‌ترین مکان‌های تجلی چنین روحیه‌ای واحدهای دانشگاهی می‌باشند. این مسأله از آن باب مهم است که دانشگاه‌ها جایگاه مناسبی برای نشان دادن بسیاری از تحولاتی هستند که محققان در پی آنند. چنان‌که پیامد ایجاد روحیه مشارکت‌جویی هر چند در درجه نخست به فضای دانشگاهی محدود می‌گردد؛ اما زمینه‌ساز مشارکت و احساس مسئولیت اجتماعی در مقیاس وسیع‌تر از مجامع دانشگاهی، یعنی جوامع خواهد بود. بدین جهت است که برخی توسعه را همبسته مشارکت فراگیر اجتماعی، سیاسی،

روانی و فرهنگی نیروهای دانشگاهی دانسته و برنامه‌های معطوف به توسعه را بدون مشارکت این نیروها، کارآمد نمی‌دانند (شوماخر^۱، ۱۳۶۰: ۱۴۱).

با این وجود، آن چه در مراکز آموزش عالی ما رخ داده؛ عدم توفیق در دستیابی بدین موضوع است. آن چه که در اکثر این واحدها قابل مشاهده است، مشارکت‌اندک قشر دانشجوی (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴) و عدم تمایل به شرکت در مناسبت‌ها و مراسم فرهنگی است. در چنین شرایطی است که جهت تحلیل این رویگردانی اجتماعی- فرهنگی، سخن از انفصال فرد از باورها، ارزش‌ها و اهداف فرهنگی به میان می‌آید. بنابراین یکی از مهمترین هدف‌های هر بررسی در آموزش عالی، شناخت دانشجویان از وجوه و ابعاد مختلف و دستیابی به منابع تجربی درباره انگیزش‌ها، رفتارها، نگرش‌ها، انتظارات و نیازهای آنان در جهت فعال تر کردن جامعه دانشجویی و ایجاد روحیه مشارکت‌جویی در دانشگاه و جامعه خواهد بود. این عامل در بررسی تجربه کشور ایران کمتر محلی از اعراب یافته، چراکه منابع تجربی پرداخته شده به مشارکت دانشجویی، به ویژه روحیه مشارکت‌جویی اندک‌اند. روشن است که پرداختن به روحیه مشارکت‌جویی براساس منابع و پرداخت‌های نظری و پرسش از وضعیت این بعد، و عوامل تشدیدکننده و یا کاهش دهنده آن در دانشگاه‌ها افق دیگری به روی ما باز خواهد کرد. آن چه که حائز اهمیت است، شناخت به روز آسیب‌ها و بیماری‌های فرهنگی- اجتماعی به منظور پیش‌گیری، درمان و ممانعت از سوق یابی فزاینده به سوی «بحران هویت فرهنگی» است. حال از آن جا که به لحاظ عینی زمینه مناسبی جهت تحلیل و شناخت روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان فراهم آمده؛ بررسی این مسأله می‌تواند هم در راستای تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی و هم در جهت پویا نمودن دانشگاه‌ها مثر ثمر واقع شود. بنابراین، مسأله پژوهش با توجه به در حال گذار بودن جامعه ایران و نقش‌های آموزشی چون دانشگاه در تقویت حس تعلق اجتماعی به جامعه، تلاش در جهت بررسی روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان است. ضمن آن که تلاش می‌گردد به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که وضعیت روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان چگونه است؟ همچنین عوامل کاهش دهنده یا تشدیدکننده آن کدامند؟ و در نهایت چگونه می‌توان این روحیه را نهادینه کرد؟

مباحث نظری

مشارکت حامل تعاریفی متعدد، و به دنبال آن گستردگی تفسیرهای منبعث از این مفهوم است. مفهومی همزاد اصطلاح لاتین «participation» و منبعث از ریشه‌های «part» به معنی قسمت،

1. Schumacher

جزء، بخش و «participatia» به معنای «با خود داشتن»، «در نفس خویش چیزی از غیر داشتن» و «سهمی در چیزی غیر از خود داشتن» است (آریان پور، ۱۳۷۳-۷۴: ۲۸۵). فرنچ^۱ جامعه‌شناس فرانسوی، مشارکت را درگیری ذهنی و عاطفی فرد در وضعیتی گروهی می‌داند که پی آمد این درگیری برانگیزش تفکر و تلاش کنشگر در راستای رساندن گروه به مقصود است (انصاری، ۱۳۷۵). بر این بنیاد، مشغولیت ذهنی و تمایل یا عدم تمایل به مشارکت را می‌توان گام نخست و جوهره اصلی مشارکت دانست. این قرائت، یادآور تحلیل‌های ذهنی- نمادی متفکرانی چون وبر، مید، بلومر و تأکید بر ویژگی‌ها و پنداشته‌های ذهنی افراد در کنش‌های جمعی است. چه که آن‌ها برای کنش‌ها، معانی و پنداشته‌های ذهنی را بر می‌شمارند (عبداللهی، ۱۳۸۳). از این رو، شکل‌گیری بارقه‌های ذهنی مبتنی بر تمایل یا عدم تمایل به مشارکت را در بر ساخته شدن مفهوم روحیه مشارکت‌جویی موثر می‌دانیم. انواع مختلف آن نیز برحسب ملاک‌های متعدد در ابعاد مشارکت، به روحیه مشارکت‌جویی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل تقسیم است (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳).

پرداخت به روحیه مشارکت‌جویی و مشارکت در دو سطح عام و خاص قابل بررسی است. سطح عام روحیه مشارکت با توجه به تعریف عام آن، عبارت است از «متقاعد به درگیر شدن همگان در مشارکت» (رحمان، ۱۹۹۳)، یعنی احساس نیاز آحاد جامعه به مشارکت و اهمیت و اولویت یافتن تلاش‌های جمعی به منظور پاسخگویی به نیازهای عام جامعه است. معنای خاص روحیه مشارکتی، متقاعد و درگیر شدن به مشارکت کنشگران در فعالیت‌ها و برنامه‌های درون سازمانی است. با توجه به این که جامعه پژوهشی مورد نظر ما دانشجویان می‌باشند، مفهوم مشارکت و روحیه مشارکت‌جویی در بعد خاص آن و در هر یک از زمینه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی دانشگاه‌ها بیشتر مورد نظر است.

مشارکت در ابعاد مختلف و در فرایند زندگی اجتماعی تحت تأثیر شرایط و عوامل فردی و اجتماعی عدیده، کم و کیف متفاوتی به خود گرفته است. از این رو، طرح رویکردهای نظری مربوط به آن، می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه مورد توجه قرار گیرد. تبیین مشارکت و روحیه مشارکت‌جویی به مثابه یک کنش جمعی را با استناد به نظریه‌های کنش‌موجه یا عقلانی^۲ آیزن^۳ و فیش‌باین^۱، تئوری مبادله، نظریه ارزش انتظار کلندرمن^۲، نظریه از خودبیگانگی^۳ و نارضایتی، تقابل ارزشی و اعتماد مدنظر داریم.

1. French
2. Theory of reasoned action
3. Aizen

آن چه که در کارهای آیزن و فیش‌باین بسیار نمایان است، تأثیر مستقیم قصد و نیت افراد بر رفتار مشارکتی است. بر اساس چنین دیدگاهی برای تبیین رفتار باید به «آمادگی بروز رفتار» توجه نمود. از این رو حلقه ماقبل تجلی رفتار، قصد و نیت برای انجام رفتار است. تفسیر آیزن و فیش‌باین بر این استوار است که قصد و نیت نیز تابع دو متغیر فردی و فشار اجتماعی است، و بعد فردی برانگیزنده رفتار و روحیه مشارکتی متأثر از انتظار فایده و ارزیابی آن است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۱). چنان که از گفتار بالا بر می‌آید، خواسته یا ناخواسته دیدگاه زیستی-روانی و تئوری مبادله^۴ به ذهن متبادر می‌شود. هومنز بر این باور است که فرد در ساختار مبادله‌ای خود برای کسب پاداش از اصول مشترکی تبعیت می‌کند که جنبه زیستی روانی دارد. افراد از کسب پاداش لذت می‌برند و همین احساس لذت و فایده‌گرایی، آنان را به ادامه رفتارهای مبادله‌ای وامی‌دارد (هومنز، ۱۹۵۸: ۵۹۹). کلندرمن هم در نظر داشتن هزینه‌ها و فواید مشارکت را تعیین‌کننده الگوهای رفتاری ذکر می‌کند (کلی و برین‌لینگر، ۱۹۹۶). توافقی عام وجود دارد که تئوری‌های مرتبط با از خود بیگانگی و نارضایتی به گونه‌ای گسترده در تبیین شرایط مشارکت و روحیه مشارکت‌جویی نقش دارند. امیل دورکیم، مسایل اجتماعی را «بی‌هنجاری» می‌نامد و در تعریف آن اشاره به نوعی گسست و بی‌هنجاری در نظام جمعی دارد. او بی‌هنجاری را به مثابه فقدان اجماع بین فرد و جامعه درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آن چه که جامعه به عنوان الگوهای رفتار برای اعضاء خود متصور شده است، به کار می‌برد. تشخیص وی از آنومی در دو سطح فردی و اجتماعی است. آنومی نوع اول، حالتی فکری، ذهنی و احساسی فردی از بی‌هنجاری است که در آن احساسات شخص نسبت به خود وی سنجش می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلالات و نابسامانی‌ها و نوعی احساس ناهنجاری، پوچی و بی‌قدرتی فردی است. آنومی نوع دوم یا آنومی اجتماعی، ناظر بر شکل‌گیری نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به نظام سنجیده می‌شود. در این شرایط عدم توازن و فقدان وسایل تنظیم‌کننده جهت تطبیق با معیارهای اجتماعی، کنشگران ضمن احساس عدم حمایت و پشتیبانی جمعی، امکان دست زدن به رفتارهای نابهنجار و خلع عضویت از جامعه را دارند (محسنی تیریزی، ۱۳۷۰: ۵۸). در پی آمد ایجاد چنین وضعی، گسستن پیوندهای اجتماعی و بر ساخته

1. Fish bin
2. Klenderman
3. Self Alienation
4. Exchange theory

نمودن نگاهی بدینانه نسبت به اجتماع دور از انتظار نیست. در این راستا، ملوین سیمن^۱ نیز تیپولوژی انواع تظاهرات رفتار بیگانه گونه را با مفاهیم احساس بی قدرتی^۲، احساس بی معنایی یا بی محتوایی^۳، بی هنجاری یا احساس نابهنجاری^۴، احساس انزوای اجتماعی^۵ نشان داده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۵-۱۴۴). از دید وی جامعه مدرن شرایطی ایجاد و ابقاء نموده که در آن انسان از نتایج فعالیت‌هایش متمتع نمی‌شود. لذا، فرد از شانس و فرصت لازم برای خلق و تولید محصولی که او را راضی و خرسند سازد برخوردار نیست (سیمن، ۱۹۵۹: ۹-۷۸۶ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۶) و به نوعی احساس انزجار و نارضایتی از روابط اجتماعی گرفتار می‌آید. احساس نارضایتی در فرد می‌تواند مسبب نوعی احساس عدم تعلق به اجتماع پیرامون و جدایی از آن گردد. چراکه به قول ادگار فردینبرگ^۶، فرد نارضایتی خود را به صورت رفتارهای رفتارهای ناسازگارانه در قبال ارزش‌ها نشان می‌دهد (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۱۶).

در تفسیرهای مطرح شده توسط اینگلهارت^۷، مشارکت و روحیه مشارکت‌جویی متأثر از تغییر در اولویت‌های ارزشی است. «همبستگی مشارکت نزد نسل‌های مختلف با فراگرد دگرگونی و تقابل ارزش‌ها، افول هنجارهای سنتی مذهبی (اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۱۱) و اعتماد همراه است (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۳۷۸). چراکه به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی‌اند و در نتیجه اعتماد تقویت‌کننده حوزه‌های کنش جمعی و تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).

علاوه بر دیدگاه‌های نظری مذکور، منابع تجربی عدیده‌ای مقوله مشارکت را به محک آزمون درآورده‌اند. با عنایت به این که نوع رویکرد ما به مشارکت، لحاظ نمودن عامل ذهنی یا همان روحیه مشارکت‌جویی است؛ فقط به همبسته‌های مرتبط با موضوع بررسی در این تحقیقات، اشاراتی می‌شود. از کیا و غفاری در بحث از مشارکت در کاشان (۱۳۸۰) و همچنین علی‌پور و همکاران در بحث از مشارکت در تهران (۱۳۸۸) بین اعتماد، محسنی تبریزی بین رضایت از زندگی، احساس ستیز با والدین و جامعه (۱۳۸۱)، پناهی و یزدان پناه بین اعتماد و ارزش مشارکت (۱۳۸۳)، دهقان و غفاری بین بیگانگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی (۱۳۸۴)، یزدان پناه بین بیگانگی (۱۳۸۷)، یزدان پناه و صمدیان بین ارزیابی فایده‌های مشارکت (۱۳۸۷) و رضادوست و

1. M. Seeman
2. Power Lessnes
3. Meaning Lessnes
4. Norrm Lessnes
5. Social Isolation
6. E. Friedenber
7. R. Inglehart

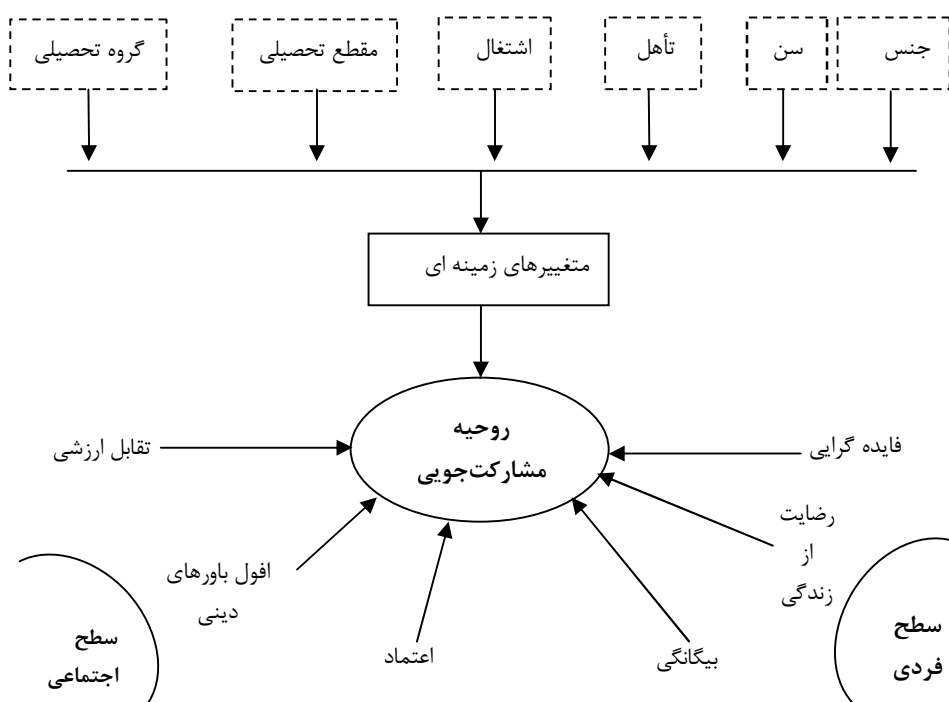
همکاران بین رضایت از خدمات (۱۳۸۸) با مشارکت به روابط معنا داری دست یافته‌اند. اکثر بررسی‌های صورت گرفته با جامعه آماری غیر دانشجوی و شاید با پیش فرض قرار دادن گام نخست (یعنی درگیری ذهنی و متقاعد شدن کنشگران به مشارکت)، میزان و فعالیت مشارکت اجتماعی و موانع و همبسته‌های موثر بر آن را مورد توجه قرار داده‌اند. البته ضمن تأیید و علمی دانستن چنین بررسی‌هایی، اعتقاد داریم پرداختن به این سنجش‌ها مرحله و گام دوم تحقیقات مشارکتی است. بر این مبنا به نظر می‌رسد پرداختن به روحیه مشارکت‌جویی و عوامل موثر بر آن می‌تواند به عنوان یک موضوع تحلیلی و تبیینی، مورد توجه یک پژوهش قرار گیرد.

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان بررسی روحیه مشارکت‌جویی را با تشریح برخی از شکل‌های کنش‌ها و واکنش‌ها به جریان‌های اجتماعی و نیز توضیح انتظار فایده، تقابل، بی‌علاقگی، انفصال، انفعال و عدم اعتماد فرد به نظام ارزش‌ها، باورها، هنجارها و اهداف فرهنگی بر ساخته نمود. آن چه در قالب چارچوب نظری و در جامعه دانشگاهی ما در توضیح این پدیده ضروری است؛ تمرکز بر زمینه‌های فردی و روانی (عوامل درونی) و زمینه‌های جامعه‌شناختی (عوامل بیرونی) است.

در این وضعیت، می‌توان تحلیل روحیه مشارکت‌جویی را در بعد فردی از سنجش هزینه و فایده مشارکت در زمینه فایده‌گرایی (هومنز، ۱۹۵۸؛ کلی و برین لینگر، ۱۹۹۶ و دهقان و غفاری، ۱۳۸۴) آغاز نمود. لذا همبسته‌های انگیزشی، نقش سوق‌دهی فرد به سوی درگیرهای ذهنی و عاطفی مشارکت‌جویی را ایفاء خواهند کرد. مشارکت‌جویی دانشجویی با توسل به انگیزه‌های مادی، عامل کنش است و به قول علفیان، اگر رضایت فرد حاصل نشود؛ مشارکتی ایجاد نخواهد شد (علفیان، ۱۳۷۹). بدیهی است که عوامل مختلفی در کم و کیف این رویداد اثرگذاراند. با قبول فرض طی نمودن روندهای ناقص‌نوسازی در زمینه روابط اجتماعی و فقدان اجماع بین فرد و جامعه درباره الگوهای رفتار جمعی، بسترهای مساعد تعارض و تقابل ارزشی دو نسل در برهم کنش‌های جمعی به منصه ظهور می‌رسد. در عرصه چنین وضعیتی است که جوان ایرانی با امنیت وجودی بالا، به نسبت نسل ماقبل خود (خالقی فر، ۱۳۸۱) به ارزش‌های سکولار گرایش دارد. بنابراین می‌توان پیامد چنین وضعیتی را نوعی احساس انزجار، نارضایتی (سیمن، ۱۹۵۹) از روابط اجتماعی دانست. به واقع تمامی تئوری‌های بیگانگی بر این باورند که هر چه احساس بی‌قدرتی و بی‌محتوایی فردی در میان افراد بیش‌تر رواج یابد، افراد بیشتر دچار بیگانگی (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳) شده و عدم اعتماد و پایداری در روابط اجتماعی بروز خواهد کرد. چراکه یکی از

مهم‌ترین مسائل نظم اجتماعی، اعتماد (چلبی، ۱۳۷۵ و کلمن، ۱۳۷۷) که ایجاد کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت (زمرلی و نیوتن ۲۰۰۸) است.

در نهایت الگوی تبیینی این پژوهش، فرض عوامل پوشش دهنده وجود یا عدم وجود روحیه مشارکت طلبی در میان دانشجویان، فایده گرایی در روابط اجتماعی، تقابل ارزشی، افول باورهای دینی، رضایت از زندگی، بیگانگی و اعتماد است. ضمن این که متغیرهای زمینه‌ای جنس، سن، وضعیت تأهل، اشتغال، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی را نیز مورد توجه قرار داده ایم. ترکیب یا برابند عوامل مذکور در مدل فرضی و فرضیات ذیل به نمایش گذاشته شده‌اند:



مدل نظری عوامل موثر بر روحیه مشارکت‌جویی

فرضیه اصلی این است که روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان با عوامل فردی مورد توجه در این پژوهش چون فایده گرایی، بیگانگی و رضایت از زندگی نیز عوامل اجتماعی، تقابل ارزش‌ها، افول باورهای دینی و اعتماد اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای جنس، سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی رابطه دارد، به طوری که می‌توان گفت احتمالاً:

۱. روحیه مشارکت‌جویی تابعی از متغیرهای زمینه‌ای است.
۲. هر چه دانشجویان در روابط اجتماعی فایده‌گراتر باشند روحیه مشارکت‌جویی کمتری دارند.
۳. هر چه تقابل ارزشی بیشتر باشد روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان پایین‌تر می‌آید.
۴. هر چه میزان باورهای دینی دانشجویان کمتر باشد روحیه مشارکت‌جویی پایین‌تر می‌آید.
۵. هر چه رضایت از زندگی پایین‌تر رود روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان کمتر می‌شود.
۶. هر چه بیگانگی اجتماعی بیشتر باشد روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان پایین‌تر می‌آید.
۷. هر چه اعتماد دانشجویان پایین‌تر باشد روحیه مشارکت‌جویی کمتر است.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر، تلفیقی از دو روش پیمایشی و کتابخانه‌ای است. در بخش کتابخانه‌ای، با مرور منابع و تحقیقات موجود، پیشینه پژوهش و مبانی و چارچوب نظری تحقیق تدوین شده است. در بخش پیمایشی نیز پس از طراحی پرسش‌ها و شاخص‌ها به گردآوری اطلاعات از جامعه آماری پرداخته‌ایم.

جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه هفت کشور شامل دو استان کرمان و هرمزگان تشکیل می‌دهد که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ در دانشگاه‌های مذکور شاغل به تحصیل بوده‌اند. تعداد دانشجویان دو استان مذکور براساس اعلام دبیرخانه منطقه هفت دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی مورد بررسی، ۷۰۱۳۱ نفر بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده نموده‌ایم که با توجه به همگرایی موجود در جمعیت آماری، حجم نمونه‌ای حدود ۳۸۰ نفر با دقت احتمالی ($d=0/05$) و ضریب اطمینان (۰/۹۵) محاسبه گردید. اما به منظور بالا بردن دقت احتمالی و غلبه بر مشکلات احتمالی ناشی از بی‌جوابی و نقص پرسش‌نامه‌ها، تعداد نمونه را به ۴۰۰ نفر افزایش دادیم. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. برای این کار، در مرحله اول با توجه به پراکنده‌گی دانشگاه‌ها در دو استان، با به کارگیری روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای هر استان چهار واحد

دانشگاهی، در مجموع هشت واحد شامل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، سیرجان، بافت و شهربابک از استان کرمان و دانشگاه‌های آزاد اسلامی بندرعباس، قشم، بندر لنگه و حاجی آباد از استان هرمزگان به عنوان چارچوب اولیه نمونه‌گیری منتخب شدند. سپس با استفاده از روش طبقه‌ای متناسب، حجم برآورده شده به هر یک از دانشگاه‌های فوق تخصیص داده شد. در نهایت این سهم به صورت متناسب بر مبنای جنسیت در دانشگاه‌ها توزیع گردید.

اعتبار^۱ و پایایی^۲

بررسی برآورد اعتبار سوالات مندرج در پرسش‌نامه، علاوه بر شناسایی اعتبار محتوایی معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به دیدگاه‌ها و کارهای متخصصان به تحلیل عاملی سوالات برای مفاهیم پرداخته شد و با توجه به آزمون KMO، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بودند. همچنین جهت حصول و اطمینان بیشتر از پایایی ابزار سنجش، گویه‌ها به تعداد ۸۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون شدند. پس از تکمیل و کدگذاری و وارد نمودن در نرم افزار SPSS پایایی آن‌ها با سنجح آلفای کرونباخ ارزیابی گردید که هر کدام به تفکیک خواهند آمد. بر اساس سطح سنجش متغیرها، از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، میانه، میانگین، درصد و...) و استنباطی (کای سکور، گاما، سامرز و ضرایب همبستگی رتبه‌ای کندال و جهت تعیین رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی رگرسیون) استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

روحیه مشارکت‌جویی

فرآیندی است حاکی از درگیری ذهنی و عاطفی یک فرد در یک وضعیت گروهی که به واسطه اندیشه و تأمل (رحمان، ۱۹۹۳؛ انصاری، ۱۳۷۵)، به اقدام مشارکتی ترغیب می‌شود (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴). پرداخت عملیاتی این شاخص با استفاده از طیف لیکرت و سنجح آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و گویه‌های «تمایل به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه (بسیج و گروه‌های ادبی-هنری)، ضرورت عضویت در تشکل‌های دانشجویی برای دانشجوی، ضرورت وجود تشکل‌های دانشجویی برای دانشگاه‌ها، علاقمندی به حرکت‌های خودجوش دانشجویی و میزان موافقت یا عدم موافقت در باره اخلاص بودن مشارکت دانشجویی در اداره دانشگاه» (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴)، در سطح تربیتی با سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» مورد توجه است.

1. validity
2. reliability

فایده‌گرایی

در این جا مفهومی است بیشتر منبعث از نظریه مبادله که بر اساس آن افراد در رفتار اجتماعی و کنش متقابل سعی می‌کنند به منافع یا پاداش‌های دست‌یابند (آبرکرامبی، ۱۳۷۰: ۱۴۹). این پاداش‌ها هم می‌تواند ملموس و عینی و هم غیر ملموس و ذهنی باشند (اسکیدمور، ۱۳۷۵: ۷۹). منظور از فایده‌گرایی در این پژوهش هر دو بعد آن است. ساخت شاخص عملیاتی این مفهوم با طیف لیکرت و سنجه آلفای کرونباخ ۰/۸۹ در سطوح پایین، متوسط و بالا می‌باشد. بر این مبنا، دیدگاه پاسخگویان درباره میزان اثرگذاری وجود مشوق‌های تقویت‌کننده روابط اجتماعی مانند «توجه به پر کردن اوقات فراغت در فعالیت‌های جمعی، توجه به پاداش‌های نقدی و جایزه‌ها، توجه به پاداش‌های شفاهی و کتبی، پاداش‌های معنوی و اخروی، معاشرت با افراد صاحب منصب و مقام و ملاک‌های مادی و غیر مادی انتخاب شغل» مورد نظر می‌باشند.

تقابل ارزشی

هر فرهنگی متشکل از مجموعه‌ای از مولفه‌هایی است که یکی از این‌ها مولفه‌ها، بعدشناختی آن است. مولفه‌شناختی که شامل مجموعه‌ای از نظرات، ارزش‌ها، باورها و دانش‌ها است، چارچوبی را برای ساختن واقعیت و درک آن در اختیار افراد قرار می‌دهد و تجزیه و تحلیل رفتار را با استفاده از این مولفه امکان‌پذیر می‌سازد. چراکه ارزش‌ها و باورهای فرهنگی دارای نیروهای شگفت‌آوری هستند که شکل‌دهنده زندگی و تا حدودی تعیین‌کننده رفتار بشر می‌باشند (اسکات و شوارتز، ۲۰۰۰: ۷-۹۵). ممکن است در ارزش‌ها و باورهای نسلی، نوعی احساس ستیز ایجاد گردد که می‌تواند مبین احساسات متضاد فرد نسبت به اهداف، انتظارات و ارزش‌های حاکم باشد.

گویه‌های این شاخص با استفاده از طیف لیکرتی و سنجه آلفای ۰/۷۱ در سطوح پایین، متوسط و بالا عبارتند از:

حنای ضرب‌المثل (تو نیکی میکنی و در دجله انداز) دیگر رنگی ندارد. در این زمانه عمل کردن به ضرب‌المثل (برو قوی شو اگر راحت جان طلبی) کارسازتر است.
انسان باید دلش پاک باشد، پوشش و حجاب ظاهری معنا ندارد.
من اعتقاد به آزادی مذاهب در جامعه دارم.
کمک به کشور و مردم فلسطین همچنان باید در سرلوحه کار ما باشد.
اگر زمانی دولت نیاز به کمک و حمایت داشت، شما تا چه میزان آمادگی برای کمک دارید.

افول باورهای دینی

در این تحقیق به معنای داشتن حساسیت سنتی کمتر به رفتارها و باورهای دینی تبلیغ شده و حاکم بر جامعه است؛ به طوری که این عقاید یکی از عناصر و عوامل تعیین کننده زندگی روزانه فرد باشد. سنجش این مفهوم، گویه‌هایی با آلفای ۰/۶۹ در سطوح پایین، متوسط و بالا در طیف لیکرت است که با پرسش از میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان درباره «شخصی یا اجتماعی بودن مسائل مذهبی، تعیین مسیر زندگی توسط دین و مذهب، رسیدن به نفع همگانی توسط دین، احساس حضور نیروهای معنوی و امدادهای غیبی در زندگی و اولویت دار بودن مسائل دینی - مذهبی در جامعه» آن‌ها را مورد سنجش قرار داده ایم.

رضایت از زندگی

رضایت کلی پاسخگویان از زندگی در ابعاد مختلف آن اعم از اقتصادی، خانوادگی و تحصیلی است. عملیاتی کردن این مفهوم با ترکیبی از گویه‌های «رضایت از زندگی خانوادگی، مسکن، درآمد و رضایت از محتوی و کیفیت درس دوره تحصیلی، نحوه و شیوه ارائه و تدریس درس، مدیریت محیط‌های علمی، منزلت اجتماعی رشته خود و رضایت از بازدهی اقتصادی رشته خود» (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱) مورد نظر است که در مجموع متغیری ترتیبی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» است.

بیگانگی اجتماعی

حالتی از ناتوانی، بی‌هنجاری، پوچی که فرد به درون خویشتن پناه برده و تمامی پیوندهای اجتماعی را نفی کرده و در نهایت خود را از عضویت گروه خلع می‌نماید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱). به بیان دیگر، بیگانگی اجتماعی را می‌توان نوعی احساس انزوا و جدایی از جمع دانست. برای عملیاتی نمودن این مفهوم از گویه‌هایی چون «میزان اثربخشی بیان نمودن مشکلات و گرفتاری‌های دانشگاه به مسئولان، میزان موافقت یا عدم موافقت با این اعتقاد که امروزه نمی‌توان به کسی اتکاء کرد، موافقت یا عدم موافقت به پیش رو داشتن آینده روشن در زندگی، میزان موافقت یا عدم موافقت با این نکته که بسیاری از دوستی‌ها با ما بخاطر درخواست خیر است، موافقت یا عدم موافقت درباره بدتر شدن وضعیت مردم» سود جسته‌ایم. طبقه بندی این مفهوم در سطوح پایین، متوسط و بالا با طیف لیکرت و سنجه آلفای کرونباخ ۰/۷۶ است.

اعتماد اجتماعی

اعتماد را می‌توان مبتنی بر انتظارات، تعهدات اکتسابی و تأیید شده از نظر اجتماعی دانست که یک شخص نسبت به هم‌نوعان و سیستم اجتماعی دارد (پاکستون، ۱۹۹۹؛ جانسون، ۱۹۹۳ و گیدنز، ۱۳۸۵). در بررسی اعتماد، اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر دیدگاه‌های مختلف می‌تواند ثمر بخش باشد. بدین سان متغیر مورد نظر در دو سنجه اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اعتماد بین فردی دیدگاه پاسخگویان نسبت به میزان مصادیقی در محیط دانشجویی چون «صداقت و راستگویی، دورویی و تظاهر، پایبندی به قول و قرار، تملق و چاپلوسی، امانت‌داری، تقلب و زرننگ‌بازی و کمک و همیاری» (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴)، با طیف لیکرت و آلفای کرونباخ ۰/۶۵ در سه سطح پایین، متوسط و بالا سنجیده می‌شود.

اعتماد نهادی نیز بر حسب نوع ارزیابی و اطمینان دانشجویان نسبت به عملکرد مسئولان و کارمندان دانشگاهی در زمینه «میزان آمادگی برای پذیرش سوالات و پیشنهادات جدید، قابل اعتماد بودن، رو راست بودن، صداقت و تعهد داشتن، تبعیض قائل نشدن میان دانشجویان، احساس امنیت کردن دانشجویان در محیط دانشگاه، انتقاد بدون ترس و نگرانی از مسئولان دانشگاهی، رسیدگی به موقع و مناسب کارمندان به امور اداری دانشجویان و میزان تبعیض آمیز بودن رفتار کارکنان دانشگاه» (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴)، مورد توجه است. برای سنجش این معرف نیز از طریق طیف لیکرت با آلفای ۰/۷۶ در سه سطح پایین، متوسط و بالا اقدام می‌شود. در نهایت نمره اعتماد اجتماعی از جمع نمرات اعتماد بین فردی و نهادی به عنوان اجزای اعتماد اجتماعی محاسبه می‌گردد.

متغیرهای زمینه‌ای

شامل جنس، سن، وضع تأهل، وضعیت اشتغال، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی که جزء عوامل تأثیرگذار بر روحیه مشارکت‌جویی در نظر گرفته شده‌اند.

داده‌های تحقیق

داده‌های توصیفی

بر اساس داده‌های جدول شماره ۱ متغیرهای زمینه‌ای، ۴۳ درصد از پاسخگویان زنان و ۵۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. دامنه سنی پرسش‌شوندگان بین ۱۸ تا ۴۹ سال با میانگین سنی ۲۳/۹ سال است که بیشترین تعداد پاسخگویان در محدوده سنی ۱۸ الی ۲۵ سال با فراوانی ۳۵۰ نفر جای

دارند. به لحاظ وضعیت تأهل، ۲۹۷ نفر از پاسخگویان معادل ۷۴/۳ درصد مجرد، ۱۰۲ نفر برابر با ۲۵/۵ درصد متأهل و ۰/۳ درصد نیز در مقوله سایر (مطلقه، بیوه) قرار گرفته‌اند. ۲۸۲ نفر از پرسش شونده‌گان عنوان کرده‌اند که در هیچ جایی به صورت پاره وقت یا تمام وقت اشتغال ندارند و صرفاً مشغول تحصیل و امور آموزشی می‌باشند. ۱۱۸ نفر از آن‌ها معادل ۲۹/۵ درصد نیز به صورت تمام وقت یا پاره وقت مشغول به کار می‌باشند. مقطع تحصیلی ۱۰۶ نفر از پاسخگویان کاردانی، ۲۸۶ نفر کارشناسی، ۷ نفر کارشناسی ارشد و تنها ۱ نفر دکترا است. این تعداد به ترتیب ۲۶/۵، ۷۱/۵، ۱/۸ و ۰/۳ درصد کل پرسش شونده‌گان را تشکیل می‌دهند. همچنین ۱۴۳ نفر از پاسخگویان (۳۵/۸ درصد) در رشته‌های مختلف علوم انسانی، ۹۷ نفر (۲۴/۳ درصد) دانشجوی رشته‌های علوم تجربی و ۱۶۰ پاسخگو (۴۰ درصد) در رشته‌های ریاضی و فیزیک تحصیل می‌کنند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی پرسش شونده‌گان در متغیرهای زمینه‌ای

کل	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	متغیرها	
۱۰۰	۴۳	۴۳	۱۷۲	زن	جنس
	۱۰۰	۵۷	۲۲۸	مرد	
۱۰۰	۸۷/۵	۸۷/۵	۳۵۰	۱۸-۲۸	سن
	۹۸/۷۵	۱۱/۲۵	۴۵	۲۹-۳۹	
	۱۰۰	۱/۲۵	۵	۴۰-۴۹	
۱۰۰	۷۴/۳	۷۴/۳	۲۹۷	مجرد	وضعیت تأهل
	۹۹/۸	۲۵/۵	۱۰۲	متاهل	
	۱۰۰	۰/۳	۱	سایر	
۱۰۰	۷۰/۵	۷۰/۵	۲۸۲	دانشجو	اشتغال
	۱۰۰	۲۹/۵	۱۱۸	شاغل	
۱۰۰	۲۶/۵	۲۶/۵	۱۰۶	کاردانی	مقطع تحصیلی
	۹۸	۷۱/۵	۲۸۶	کارشناسی	
	۹۹/۸	۱/۸	۷	ارشد	
	۱۰۰	۰/۳	۱	دکترا	
۱۰۰	۳۵/۸	۳۵/۸	۱۴۳	انسانی	گروه تحصیلی
	۶۰	۲۴/۳	۹۷	تجربی	
	۱۰۰	۴۰	۱۶۰	ریاضی	

جدول شماره ۲. آماره‌های توصیفی پرسش‌شوندگان در متغیرهای اصلی پژوهش

شاخص‌های توصیفی							توزیع فراوانی			آماره‌ها	
بیشترین مقدار	کمترین مقدار	واریانس	انحراف معیار	نما	میانه	میانگین	درصد درصد	درصد	فراوانی	متغیرها	
۲۴	۶	۱۰/۶	۳/۲	۱۷	۱۸	۱۸/۱	۴۷/۳	۴۷/۳	۱۸۹	کم	روحیه مشارکت‌جویی
							۹۵/۷	۴۸/۵	۱۹۴	متوسط	
							۱۰۰	۴/۳	۱۷	بالا	
۱۶	۴	۳/۳	۱/۸	۹	۱۰	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۳۹	کم	فایده‌گرایی
							۸۱/۲	۷۱/۳	۲۸۵	متوسط	
							۱۰۰	۱۹	۷۶	بالا	
۳۲	۸	۲۱/۷	۴/۶	۲۰	۲۱	۲۱/۱	۲۳	۲۳	۹۲	کم	تقابل ارزشی
							۹۳/۸	۶۰/۸	۲۴۳	متوسط	
							۱۰۰	۱۶/۳	۶۵	بالا	
۲۰	۵	۱۰/۶	۳/۲	۱۱	۱۱	۱۰/۹	۱۰	۱۰	۴۰	کم	افول باورهای دینی
							۵۴	۴۴	۱۷۶	متوسط	
							۱۰۰	۴۶	۱۸۴	بالا	
۴۷	۸	۱۹/۶	۴/۴	۱۸	۱۸	۱۸/۵	۷/۸	۷/۸	۳۱	کم	رضایت از زندگی
							۶۷/۵	۵۹/۸	۱۳۹	متوسط	
							۱۰۰	۳۲/۵	۱۳۰	بالا	
۴۳	۶	۹/۹	۳/۱	۱۶	۱۵	۱۵/۱	۶/۵	۶/۵	۲۶	کم	بیگانگی
							۵۱/۸	۴۵/۳	۱۸۱	متوسط	
							۱۰۰	۴۸/۳	۱۹۳	بالا	
۳۶	۱۱	۱۹/۱	۴/۴	۲۶	۲۶	۲۵/۸	۳۶/۸	۳۶/۸	۱۴۷	کم	بین فردی
							۹۳/۲	۵۶/۵	۲۳۶	متوسط	
							۱۰۰	۶/۸	۲۷	بالا	
۷۰	۱۲	۲۸/۵	۵/۳	۲۴	۲۵	۲۵/۱	۳۱	۳۱	۱۲۴	کم	اعتماد اجتماعی
							۹۱/۳	۶۰/۳	۲۴۱	متوسط	
							۱۰۰	۸/۸	۳۵	بالا	
۹۶	۳۲	۶۸/۳	۸/۳	۵۲	۵۲	۵۰/۹	۳۲/۳	۳۲/۳	۱۲۹	کم	
							۹۴/۷	۶۲/۵	۲۵۰	متوسط	
							۱۰۰	۵/۳	۲۱	بالا	

در بررسی توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق، همانگونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است؛ روحیه مشارکت‌جویی ۴۷/۳ درصد از پرسش‌شوندگان پایین، ۴۸/۵ درصد به میزانی متوسط روحیه مشارکت‌جویی دارند و تنها ۴/۳ درصد از روحیه مشارکت‌جویی بالایی برخوردارند. آماره‌های متغیر میزان فایده‌گرایی با میانگین ۹/۸ به گونه‌ای است که ۹/۸ درصد از

پرسش شوندگان در طبقه پایین جای دارند، $71/3$ درصد جمعیت نمونه فایده‌گرایی‌شان در حد متوسط و در 19 درصد نیز در رده بالا قرار دارند. مطابق داده‌ها در متغیر تقابل ارزشی 23 درصد از پرسش‌شوندگان تقابل پایینی دارند. همچنین $16/3$ درصد تقابل ارزشی بالایی دارند. در حالی که اکثر دانشجویان (243 نفر) معادل $60/8$ درصد در سطح متوسط و بینابینی از تقابل ارزشی هستند. میزان افول باورهای دینی 10 درصد از پاسخگویان پایین است. باورهای دینی (176 نفر) برابر با 44 درصد پاسخگویان به میزانی متوسطی کاهش یافته و 46 درصد (184 نفر) از افراد کاهش باورهای دینی‌شان در حد بالایی است.

جایگاه پرسش‌شوندگان با میانگین $15/1$ در متغیر میزان بیگانگی اجتماعی به ترتیبی است که $48/3$ درصد از آن‌ها بیگانگی اجتماعی بالایی دارند. $45/3$ درصد متوسط و تنها $6/5$ درصد از بیگانگی اجتماعی پایینی برخوردارند. $7/8$ درصد از جمعیت نمونه رضایت زندگی پایینی دارند. این در حالی است که با میانگین $18/5$ بیش از دو سوم پرسش‌شوندگان ($59/8$ درصد) میزان متوسطی از رضایت را اعلام نموده‌اند و $32/5$ درصد نیز رضایت بالایی دارند. اعتماد اجتماعی $32/3$ درصد از دانشجویان پایین است که این میزان برای $62/5$ درصد از پرسش‌شوندگان در حد متوسط، و برای $5/3$ درصد از آن‌ها در حد بالایی است.

نتایج آمارهای استنباطی

براساس داده‌های جدول شماره ۳، سطح معنی‌داری بدست آمده از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای سنجش رابطه متغیرهای جنسیت و روحیه مشارکت‌جویی $0/594$ ، وضعیت تأهل $0/127$ ، وضعیت اشتغال $0/367$ است که از نظر آماری معنادار نمی‌باشند. این موضوع دلالت بر آن دارد که علی‌رغم فرضیه‌های در نظر گرفته شده، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال تأثیری بر روحیه مشارکت‌جویی ندارند. همچنین آزمون دی‌سامرز جهت سنجش رابطه متغیرهای سن و روحیه مشارکت‌جویی $0/117$ ، مقطع تحصیلی $0/095$ است که از نظر آماری معنادار نیستند و به این معنا است که بر خلاف پیش‌فرض موجود، سن و مقطع تحصیلی نیز اثری در روحیه مشارکت‌جویی نداشتند. پیش‌فرض رابطه متغیر زمینه‌ای گروه تحصیلی با روحیه مشارکت‌جویی در آزمون خی دو ($0/825$) به مانند چهار متغیر دیگر، حاکی از عدم رابطه‌ای معنادار است.

جدول شماره ۳. رابطه متغیرهای زمینه‌ای با روحیه مشارکت‌جویی

Uncertainty Coefficient	Chi-Square	Gamma	K. t-c	K. t-b	Somers'd	آزمون‌ها		Mean differences	sig	df	t	آزمون‌ها	
						متغیرها	متغیرها						
۰/۰۰۲	۱/۳۷۵	-۰/۰۹۱	-۰/۰۶۷	-۰/۰۶۴	-۰/۰۶۲	مقدار آماره	سن	۰/۰۳۱	۰/۵۹۴	۳۹۸	۰/۵۳۳	زن	جنس
						sig	۰/۰۳۱	۰/۵۹۴	۳۶۸/۹	۰/۵۳۳	مرد		
						مقدار آماره	مقطع	۰/۱۴۳	۰/۱۲۷	۳۹۸	۲/۱۷۶	مجرد	ناهل
						sig	تحصیلی	۰/۱۴۳	۰/۱۲۷	۱۷۷/۵	۲/۱۹۳	مأهل	
-۰/۸۳۵					مقدار آماره	گروه	۰/۰۵۷	۰/۳۶۷	۳۹۸	۰/۹۰۳	دانشجو	شاغل	
						تحصیلی	۰/۰۵۷	۰/۳۶۷	۲۲۹/۷	۰/۹۲۲	شاغل		

بررسی نتایج آزمون‌های آماری جدول شماره ۴ ناظر بر صحت فرضیه رابطه میان فایده‌گرایی و روحیه مشارکت‌جویی است. براساس آزمون دی‌سامرز (۰/۲۸۱-)، رابطه میان دو متغیر از نظر آماری معنادار و معکوس است. لذا فرضیه «هر چه دانشجویان در روابط اجتماعی فایده‌گراتر باشند روحیه مشارکت‌جویی کمتری دارند»، تأیید می‌گردد. در ادامه با عنایت به دو بعدی بودن رابطه و جدول مربعی، جهت پی بردن به شدت رابطه، آماره تاو بی‌کندال (۰/۲۸۲) را مورد توجه قرار دادیم که حاکمیت از وجود رابطه ضعیف میان دو متغیر مذکور است. مقدار آماره گاما (۰/۲۸۹)، ضعیف بودن شدت این رابطه را نیز تأیید می‌نماید. مشاهده رابطه تقابلی ارزشی با روحیه مشارکت‌جویی در سطح معناداری (۰/۰۰۵) آزمون دی‌سامرز، معناداری رابطه را می‌رساند. فرضیه «هر چه تقابلی ارزشی بیشتر باشد روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان پایین‌تر می‌آید»، تأیید می‌گردد. جهت رابطه معکوس است و مقدار آماره تاو بی‌کندال (۰/۱۳۳) نشان از شدت ضعیف رابطه دارد. مقدار آماره گاما (۰/۲۴۱) نیز گواهی بر مدعا است. با بررسی نتایج حاصل از سنجش رابطه میان دو متغیر افول باورهای دینی و روحیه مشارکت‌جویی در آماره دی‌سامرز (۰/۵۱۳-)، معناداری آنها در جهت معکوس نشان داده می‌شود. لذا، فرض «هر چه باورهای دینی دانشجویان کمتر باشد روحیه مشارکت‌جویی پایین می‌آید»، مورد تأیید است. می‌توان گفت هر چه میزان افول باورهای دینی افراد بیشتر باشد، میزان روحیه مشارکت‌جویی شان کمتر می‌شود و بر عکس با پایین آمدن میزان کاهش باورهای دینی، سطح روحیه مشارکتی افراد نیز افزایش می‌یابد. در واقع هرچقدر که باورهای دینی افراد قوی‌تر باشد، میزان مشارکت‌جویی آنها نیز بیشتر است و به هر میزان که باورهای دینی افراد ضعیف‌تر گردد، میزان مشارکت‌جویی آنها نیز کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه جدول دو بعدی سنجش رابطه این متغیرها، جدولی مستطیلی است، برای سنجش شدت رابطه باید از آماره تاو بی‌کندال استفاده نمود. مقدار بالای این آماره (۰/۷۱۳) نشانگر شدت رابطه میان افول

باورهای دینی و روحیه مشارکت‌جویی است. مقدار گاما (۰/۷۲۲) شاهدی قوی بر شدت رابطه میان دو متغیر است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون‌های آماری روحیه مشارکت‌جویی با متغیرهای مورد توجه پژوهش

نتایج آزمون‌های آماری					متغیرهای مستقل
sig	Gam ma	Kendall 's tau-c	Kendall' s tau-b	Some rs'd	
۰/۰۰۴	-۰/۲۸۹	-۰/۲۶۰	-۰/۲۸۲	-۰/۲۸۱	فایده‌گرایی
۰/۰۰۵	-۰/۲۴۱	-۰/۱۰۹	-۰/۱۳۳	-۰/۱۳۳	تقابل ارزشی
۰/۰۰۵	-۰/۷۲۲	-۰/۷۱۱	-۰/۷۱۳	-۰/۵۱۳	افول باورهای دینی
۰/۴۶۰	-۰/۰۶۶	-۰/۰۲۸	-۰/۰۳۵	-۰/۰۳۵	رضایت از زندگی
۰/۰۰۶	-۰/۵۷۹	-۰/۵۳۵	-۰/۵۴۳	-۰/۵۴۳	بیگانگی
۰/۰۰۰	۰/۴۲۱	۰/۳۵۳	۰/۳۶۶	۰/۳۶۶	بین فردی
۰/۰۰۰	۰/۴۲۷	۰/۴۱۲	۰/۴۱۵	۰/۴۱۵	نهادی
۰/۰۰۳	۰/۸۰۴	۰/۷۴۳	۰/۷۵۵	۰/۶۵۵	اجتماعی

سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون دی‌سامرز (۰/۴۶۰) جهت بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و روحیه مشارکت‌جویی فاقد معناداری آماری است. بر این مبنای فرضیه «هر چه رضایت از زندگی پایین‌تر رود روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان کمتر می‌شود» قابل اثبات نیست. به عبارت دیگر، با افزایش یا کاهش میزان رضایت از زندگی دانشجویان تغییری در میزان روحیه مشارکت‌جویی آنها رخ نمی‌دهد.

در بررسی فرضیه رابطه بیگانگی و روحیه مشارکت‌جویی، معناداری میان دو متغیر مشاهده می‌شود. آزمون دی‌سامرز با مقدار (-۰/۵۴۳) نشانگر معکوس بودن رابطه است. بنابراین، فرض «هر چه بیگانگی اجتماعی بیشتر شود روحیه مشارکت‌جویی دانشجویان پایین‌تر می‌آید»، تأیید است. مقدار آماره تاو بی‌کندال (۰/۵۴۳)، شدت متوسط رابطه را می‌رساند که مقدار گامای (۰/۵۷۹) نیز گویای وجود رابطه‌ای متوسط میان بیگانگی اجتماعی و روحیه مشارکت‌جویی است. سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون دی‌سامرز برای بررسی رابطه میان دو متغیر اعتماد و روحیه مشارکت‌جویی، به لحاظ آماری معنادار است. بر این اساس، پیش فرض «هر چه اعتماد دانشجویان پایین‌تر باشد روحیه مشارکت‌جویی کمتر است»، تأیید می‌گردد. مقدار بالای آماره تاو بی (۰/۷۵۵) و گاما (۰/۸۰۴) قوی بودن شدت رابطه میان دو متغیر را می‌رساند.

براساس نتایج فوق، برای کنترل آماری روابطی که در سطح تحلیل‌های دو متغیری بین متغیر وابسته و هر یک از متغیرهای اصلی مورد توجه پژوهش به دست آمده‌اند؛ با روش Enter به تحلیل رگرسیونی پرداخته شده است.

جدول شماره ۵. تحلیل چند متغیره: همبستگی رگرسیونی متغیرهای تحقیق به روش ایتر

Sig.	t	Beta	Std. Error	B	مدل
۰/۰۲۶	-۲/۲۲۹	-۰/۲۲۷	۰/۰۵۷	-۰/۱۱۷	فایده‌گرایی
۰/۰۰۱	۳/۳۵۴	۰/۹۷۵	۰/۰۵۲	۰/۱۹۰	تقابل ارزشی
۰/۰۰۲	-۱/۲۵۰	-۱/۰۶۲	۰/۰۴۹	۰/۰۹۵	افول باورهای دینی
۰/۳۵۵	-۰/۹۶۵	-۰/۰۵۱	۰/۰۵۲	-۰/۰۵۰	رضایت از زندگی
۰/۰۰۹	۰/۲۴۱	۰/۸۱۲	۰/۰۵۱	۰/۰۱۲	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۰۵	۰/۷۹۸	۰/۹۴۴	۰/۰۵۷	۰/۰۴۶	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۳/۸۶۹		۰/۱۷۱	۲/۳۶۶	مقدار ثابت
R2=۰/۶۱					

در بررسی رگرسیونی متغیرهای تحقیق، متغیر رضایت از زندگی اثر معناداری بر متغیر وابسته ندارد. رابطه میزان فایده‌گرایی و افول باورهای دینی با روحیه مشارکت‌جویی در جهت معکوس معنادار است. سطح معناداری به دست آمده از رابطه میان بیگانگی اجتماعی و تقابل ارزشی با روحیه مشارکت‌جویی، به ترتیب ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۱ است که نشانگر اثر مستقیم آن‌ها بر روحیه مشارکت‌جویی است. در میان متغیرهای مورد نظر، متغیر میزان افول باورهای دینی با مقدار بتای (-۱/۰۶۲)، بیشترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارد. پس از آن، متغیر تقابل ارزشی با مقدار بتای (۰/۹۷۵) است. سومین متغیر سهم در تغییرات متغیر وابسته، اعتماد اجتماعی است که با ضریب رگرسیون بتا (۰/۹۴۴) معنادار می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل حاکی از آن است که با توجه به مقدار $R^2 = (۰/۶۱)$ ، تنها ۰/۳۹ از تغییرات باقیمانده متأثر از عوامل و متغیرهای بیرون از تحقیق می‌باشند. به عبارتی، ۰/۶۱ از تغییرات روحیه مشارکت‌جویی ناشی از مفروضاتی است که در این تحقیق به عنوان متغیر در نظر آمده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

داشتن روحیه مشارکت جویی از جمله عواملی است که تأثیر مهمی بر همکنش‌ها و عمل‌های جمعی دارد. مقدمه مشارکت اجتماعی، داشتن این روحیه است که در هر جامعه‌ای به شکلی خاص بر ساخته است. در این مقاله کوشش گردید تا با بررسی داده‌های تجربی جمع‌آوری شده، خوانشی از مشارکت مورد آزمون قرار گیرد که بر اساس وضعیت فضای دانشگاهی به عنوان نماد تحولات مدرن، شمرده می‌شود. بدین ترتیب با عنایت به سنجش‌های متفاوت موضوع، با عناوین میزان مشارکت، فعالیت مشارکتی و روحیه مشارکتی (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴)، طرح مفهومی روحیه مشارکت جویی را بر ساخته نمودیم. اگرچه روحیه مشارکت جویی به عنوان پیش شرط مشارکت اجتماعی زمینه را برای پیوند و اتصال کنش‌گران اجتماعی فراهم آورده و موجب تثبیت و انتقال نسلی فرهنگ جامعه می‌گردد؛ با این حال جوامع همواره قادر نیستند تا کنش‌های متقابل اجتماعی اعضایشان را به صورت پیوسته به سمت هدفی خاص هدایت نموده و انسجام گروهی خویش را حفظ نمایند. در این وضعیت عواملی می‌تواند به گسست پیوندهای اجتماعی منجر شود و زمینه فاصله و گسست نسل‌ها را فراهم آورد. در حقیقت کاهش تدریجی روحیه مشارکت جویی اعضای یک جامعه، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی می‌شود. از این رو است که در هر پژوهش مرتبط با مشارکت، هدف پاسخ بدین سوال است که عوامل موثر و مرتبط بر مشارکت و در این تحقیق روحیه مشارکت جویی کدامند؟

یافته‌های برآمده از تحقیق با استناد به فرضیه‌های موجود، به گونه‌ای رقم خورد که به استثناء متغیر رضایت از زندگی، متغیرهای فایده‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، تقابل ارزشی، افول باورهای دینی و اعتماد اجتماعی با روحیه مشارکت جویی رابطه معناداری برقرار نمودند.

تبیین وجود رابطه معکوس میان میزان فایده‌گرایی و روحیه مشارکت جویی و به عبارتی تأثیر افزایش و کاهش فایده‌گرایی افراد در افزایش و کاهش سطح روحیه مشارکت جویی، برآمده از حاکمیت الگوی مادی و عمدتاً متأثر از نظام سرمایه‌داری و تأثیرگذاری آن بر روحیه مشارکت جویی دانشجویان است. این مطلب مبین همسانی با دیدگاه پارسونز، مبنی بر قدرت انگیزشی نیازهای اقتصادی در کنش‌های جمعی است. رابطه معکوس میان متغیر روحیه مشارکت جویی و گرایش دانشجویان، چه به صورت درون ذات و چه تحت تأثیر عامل خارجی، به تقابل ارزشی را شاید بتوان علاوه بر دیدگاه‌ها و ارزش‌های متمایز نسل‌ها ناشی از روندهای ناقص نوسازی و فقدان اجماع بین فرد و جامعه درباره الگوهای رفتار جمعی، به ویژگی فرهنگ مدرن ربط داد. فرهنگ مدرن دارای ویژگی پویایی است؛ عاملی که در تقابل با خصیصه ایستایی

فرهنگ رسمی و آشکار قرار دارد. بین فرهنگ عمومی دانشگاه‌ها و فرهنگ رسمی تفاوتی آشکار دیده می‌شود (اسماعیلی و خلیلی، ۱۳۸۱). به طور کلی می‌توان سخن از دو فرهنگ آشکار و پنهان به میان آورد. برخورد گزینشی فرهنگ آشکار و رسمی با فرهنگ ملی-بومی و پاسخ ندادن به نیازهایی که به طور عام در جامعه و به طور خاص در دانشگاه شکل می‌گیرد؛ در عمل به این خوانش کمک نموده است. چنین وضعیتی است که نظام گزینشی فرهنگی را با چالشی قابل تأمل روبه‌رو ساخته و منجر به برساختگی و قطبی شدن ارزش‌ها و تقابل ارزشی شده است. با توجه به معنادار بودن رابطه میان افول باورهای دینی و کاهش روحیه مشارکت‌جویی، دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که نشان دهد خود دانشگاه نوعی ایدئولوژی دین ستیز را تولید کرده یا ترویج می‌کند. بلکه به نظر می‌رسد، برداشت‌های نسل جوان از دین و معرفت دینی در حال تبدیل و تبدل است. در میان دانشجویان استدلال عقلی فردی رشد یافته و دانشجویان بیشتر بر اساس این استدلال‌ها، باورهای دینی خود را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند. دانشگاه با تقلید دینی دانشجویان روبه‌رو نیست؛ بلکه نگاه به دین یا انتظار از دین در حال دگرگونی است (اسماعیلی و خلیلی، ۱۳۸۱). البته در تقسیم‌بندی رخدادهای موجد فقدان روحیه مشارکت‌جویی، باید فرایندهایی را که از درون دانشگاه شکل می‌گیرند را با فرایندهایی که در بیرون پدید می‌آیند، تفکیک نمود. علاوه بر آن، باید توجه داشت که حتی در فرایندهایی که در درون دانشگاه شکل می‌گیرند، نمی‌توان تأثیر عوامل زمینه‌ای را که مرتبط با دانشگاه نیستند بدون تأثیر قلمداد کرد. نفوذ رسانه‌ها، برخوردهای گزینشی و کاهش دین‌باوری در سطح خانواده‌ها می‌تواند موجب تقلیل باورهای دینی رسمی و تقابل ارزشی در نظام دانشگاهی گردد. از سوی دیگر در پرداخت تحلیلی، عدم وجود رابطه معنادار میان متغیر میزان رضایت از زندگی که همپوشانی نزدیکی با بیگانگی اجتماعی دارد، نیازمند نگاهی ویژه به جامعه ایران هستیم. می‌توان این گونه استدلال کرد که اگر دانشگاه را از حیث عدم رضایت برساخته‌ای از جامعه بدانیم، یافته‌ها بازگوی ضعف این پدیده در سطح جامعه در حد بینابین است (عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۳). لذا به علت تکرار آن در جامعه، عدم رضایت به مسأله‌ای ممتنع بدل گشته که نقشی کم‌رنگ در کردارها و کنش‌های جمعی در ابعاد مختلف ایفاء می‌کند.

اما با عنایت به رابطه مند بودن تأثیر افزایش بیگانگی اجتماعی بر عدم روحیه مشارکت‌جویی، کاهش بالندگی، پویایی و مشغولیت ذهنی نسبت به فعالیت‌های جمعی را با بیگانگی همبسته می‌دانیم. لذا به منظور واکاوی و قابلیت تبیینی دقیق‌تر، مفهوم اعتماد را نیز فصل قریب تحلیل بیگانگی می‌دانیم. به واقع فزونی اعتماد، بیگانگی اجتماعی کمتر و روحیه مشارکت‌جویی بیشتری

را در پی دارد. خروج از حوزه خصوصی و ورود افراد به عرصه عمومی، نیازمند وجود اعتمادی اجتماعی هستند. چراکه یکی از عوامل و مولفه‌های اساسی روی دادن برهمکنش‌های اجتماعی، وجود اعتماد میان کنشگران در سطوح خرد و کلان است که این اعتماد به صورت اعتماد بین شخصی و نهادی نمود می‌یابد. رابطه معکوس اعتماد چه به شکل فردی و چه نهادی با روحیه مشارکت‌جویی از دو جهت قابل توجه است. از یک سو ضعف روحیه مشارکت‌جویی، مسأله‌ای بین فردی است و یافته‌های تحقیق نیز بیانگر این موضوع است. یکی از پیامدهای بیگانگی، عدم اعتماد و وجود احساس رقابت در روابط اجتماعی است که به بیگانگی از دیگران و هموعان تعبیر می‌شود. از طرف دیگر موضوع ضعف روحیه مشارکت‌جویی، مسأله‌ای اجتماعی نیز می‌باشد. نتایج تحقیق بازگویی آن است که میزان اعتماد نهادی بین دانشجویان پایین است. با توجه به پرسش‌های تحقیق، دانشجویان در نتیجه تماس مستقیم با مسئولان و مدیران اجرایی دانشگاهی و آگاهی از حقوق خویش، انتظارات فراوانی دارند و خواستار سهم شدن در قدرت تصمیم‌گیری‌اند. اما از آن جا که به انتظارات آنان پاسخ داده نمی‌شود، میزان اعتماد به این نهاد در آن‌ها کاهش می‌یابد. از دید دانشجویان، آمادگی مدیران و مسئولین دانشگاه برای پذیرش نظرات و دیدگاه‌های آنان کم است و غالب آن‌ها صداقت و تعهد کافی از خود نشان نمی‌دهند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸).

به عنوان جمع‌بندی نهایی از مباحث تحلیلی و با عطف توجه به مباحث و مدل نظری، متغیری که باید به عنوان متغیر هدف مورد بررسی قرار گیرد، هدف دانشگاه در ایجاد روحیه مشارکت‌جویی و به دنبال آن مشارکت در فعالیت‌های دانشگاهی است. به واقع یکی از کارکردهای مورد انتظار دانشگاه افزایش روحیه مشارکت‌جویی است. به این معنی که در نهایت دانشگاه باید این روحیه را در اختیار جامعه قرار دهد. اگر بخواهیم درباره فرایند مشارکت‌جویی دانشجویان به تبیینی مطلوب دست یابیم، ترکیبی از عوامل فردی و اجتماعی قابل توجه است. بر اساس نمره‌دهی به طیف گویه‌ها، افراد مورد بررسی در نمونه به سه گروه دارای روحیه مشارکتی کم، روحیه مشارکتی بینابین و روحیه مشارکت‌جویی بالا تقسیم شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۴۷ درصد افراد از نظر روحیه مشارکت‌جویی در سطح پایین، ۴۸ درصد بینابین و تنها ۴ درصد در سطح بالایی از روحیه مشارکت‌جویی قرار دارند. بر این اساس می‌توان متذکر شد، کسانی که روحیه مشارکتی مطلوبی دارند و آمادگی روحی برای مشارکت را در خود احساس می‌کنند، افرادی هستند که کاهش باورهای دینی، تقابل ارزشی، اعتماد، بیگانگی اجتماعی و روحیه فایده‌گرایی کمتری دارند. این ویژگی‌ها برای شرکت در فعالیت‌های گروهی به صورت

سازمان یافته بسیار مهم است؛ زیرا فعالیت در قالب گروه‌های اجتماعی مستلزم آن است که میزان و چگونگی این متغیرها را متناسب با هدف مورد نظر تغییر دهیم. این نتایج از داده‌های تجربی دیگران نیز حاصل شده، متغیر تقابل ارزشی در بررسی‌های (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱؛ سفیری، ۱۳۸۴؛ کلدی و جمشیدی، ۱۳۸۴)، اعتماد در بررسی‌های (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳؛ دهقان و غفاری، ۱۳۸۴؛ علی پور و همکاران، ۱۳۸۸)، بیگانگی اجتماعی در بررسی‌های (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱؛ یزدان پناه، ۱۳۸۷) و متغیر فایده‌گرایی در بررسی‌های (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳؛ یزدان پناه و صمدیان، ۱۳۸۷) مورد تأیید است.

برایند این گفته‌ها دستیابی به این نکته است که گسترش روحیه مشارکت‌جویی در دانشگاه‌ها با موانعی تحت عناوین موانع ساختاری و فردی رو برو است که البته از هم پوشانی آن‌ها در بسیاری جهات نباید غافل شد. موانع ساختاری شامل عوامل ذهنی و عینی اثرگذار بر ایجاد روحیه مشارکت‌جویی و مورد دیگر موانع فردی است که به ویژگی‌های شخصیتی کنشگران در رابطه با روحیه مشارکت طلبی اشاره دارد. مدیریت تغییر در راستای رفع موانع ساختاری اهمیت بسیاری دارد. این مدیریت را می‌توان پذیرش اصالت تغییر و هدایت آن همراه با حفظ میراث فرهنگی دانست. وظیفه مدیریت دانشگاه در این جا تنها گزینش بخش‌هایی از فرهنگ ملی که با خصوصیت ایرانی-اسلامی بودن شناخته می‌شود نیست؛ بلکه باید بکوشد تا همه خرده فرهنگ‌هایی که با هم فرهنگ بومی را پدید می‌آورند، تقویت نماید. به قول ماکس وبر باید به عناصر مهم و درهم تنیده میان فرهنگ‌های مختلف توجه کنیم تا بتوانیم از عناصری که در همه فرهنگ‌ها اثری پویا از خود به جای گذارده‌اند، استفاده کنیم (سریع القلم، ۱۳۷۳: ۱۰۷). بنابراین عدم برقراری ارتباط صحیح میان ساختارهای مختلف یک نظام و ناهماهنگی ساختاری در آن، یکی از مهم‌ترین موانع است. ایجاد هماهنگی میان ساختارها و جنبه‌های مختلف اجتماعی و رشد متوازن و منطقی ساختارها در کنار یکدیگر یکی از راهبردها است. در این راستا، متنوع نمودن حیطه‌های مشارکت می‌تواند زمینه مشارکت در دانشگاه‌ها را متکثر سازد.

در بعد فردی موانع اثرگذار بر روحیه مشارکت‌جویی، توجه به ویژگی‌های دانشجویان مدنظر است. دانشجوی امروز نسبت به نسل گذشته، پویاتر و عمیق‌تر به جامعه می‌نگرد. تنها مشکل این است که نسل امروز نسبت به نحوه نگرش خویش به جامعه پیرامون خاص‌گرا است. به واقع، یکی از موانع فردی در رشد روحیه مشارکت‌جویی، فایده‌گرایی کنشگران اجتماعی است. هنگامی که فرد منافع شخصی خود را مقدم و برتر از منافع جمعی می‌داند، مسلماً زمینه مساعد روحیه مشارکت‌جویی فراهم نخواهد شد. روحیه مشارکت‌جویی امری طبیعی نیست، بلکه

اكتسابی و فرهنگی است. براساس نظریه پارسونز، هرچه عام‌گرایی در شخصیت و فرهنگ مردم بیشتر باشد، باید انتظار مشارکت داشت. لذا اگر بتوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای عام ایجاد نماییم، می‌توان شکل‌گیری شخصیت عام‌گرا را نیز مشاهده کرد. بنابراین برای مشارکت‌جو بودن افراد باید قوانین و هنجارهای عام به‌وجود آوریم (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳: ۸۰).

چنان‌که از پیشنهادهای مطرح شده استنباط می‌شود، ایجاد روحیه مشارکت‌جویی توسط برنامه‌های متکثر و گوناگون، نهادینه خواهد شد. بر این مبنای آن چه که به عنوان یک فرایند برنامه‌ریزی می‌تواند مطرح باشد، توجه به تحقیقات صورت گرفته درباره نیازسنجی‌ها و اولویت‌یابی‌های نسل جوان دانشگاهی است. از این طریق ضمن حصول به شناختی جامع و فراگیر از نوع نگرش دانشجویان، می‌توان به راه‌حل‌های واقع‌بینانه و علمی‌تر در باب موضوع مورد بررسی نائل آمد. چراکه یکی از راه‌کارهای افزایش مشارکت و روحیه مشارکت‌جویی در نسل جوان، شناخت نیازها و اولویت‌های آنان و پاسخ مقتضی به آن‌ها و تقویت حس اعتماد، کاستن از تقابل ارزشی، بیگانگی اجتماعی و روحیه فایده‌گرایانه جوانان است.

منابع

- آبرکرامی، نیکلاس (۱۳۷۰) *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
- آریان پور، عباس (۱۳۷۳)، *فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی*، انتشارات سپهر.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی شهر کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷: ۳-۳۱.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۵)، *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران: انتشارات تابان.
- اسماعیلی، حمیدامین و اسماعیل خلیلی (۱۳۸۱)، *آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- انصاری، محمداسماعیل (۱۳۷۵) «بازشناسی و پیش‌نیازهای مدیریت مشارکتی در نظام اجرایی»، *مدیریت دولتی*، شماره ۴۴-۴۳.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۳)، *تحول فرهنگی و جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- پناهی، محمدحسین و لیلا یزدان پناه (۱۳۸۳)، «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶: ۶۹-۱۰۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- خالقی فر، مجید (۱۳۸۱)، «بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و عوامل موثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴) «تبیین مشارکت اجتماعی فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران»، **مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ۱: ۶۷-۹۸.
- رضا دوست، کریم و دیگران (۱۳۸۸) «بررسی عوامل موثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه‌شناسی شهری شهر ایلام»، **مجله پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی**، پاییز پیاپی ۳۵، اصفهان: ۹۷-۱۱۰.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۳)، «نظریه انسجام درونی»، **نامه فرهنگ**، شماره ۱۳: ۱۰۲-۱۰۷.
- سفیری، خدیجه و نیره شریفی (۱۳۸۴) «بررسی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان و رابطه آن با گروه‌های مرجع»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۵: ۷۷-۱۰۵.
- شوماخر، ای، اف (۱۳۶۰)، **کوچک زیباست**، ترجمه علی رامین، تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «نان و نهادهای مدنی»، **مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲: ۶۳-۹۹.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان (۱۳۸۳)، «رضایت از زندگی و دین‌داری در بین دانش‌آموزان متوسطه»، **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد**، سال اول، شماره ۳: ۸۳-۱۱۶.
- علفیان، مسعود (۱۳۷۹) «مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری»، **مجموع مقالات مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری**، همایش مدیریت توسعه پایدار، دانشگاه تبریز.
- علی پور، پروین و دیگران (۱۳۸۸) «اعتماد و مشارکت: بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، **مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران**، دوره دهم، شماره ۲: ۱۰۹-۱۳۵.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) **تجدد و تشخص**، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «بیگانگی، مفهوم سازی و گروه بندی تئوری‌ها در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، **نامه علوم اجتماعی**، جلد ۲، ش ۲: ۲۵-۷۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱)، «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی، بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، شماره ۲۶: ۱۱۹-۱۸۲.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳)، **مبانی نظری هویت و بحران هویت؛ مراتب و مولفه‌های هویت**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یزدان پناه لایلا و فاطمه صمدیان (۱۳۸۷)، «تاثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی»، **فصلنامه مطالعات زنان**، پاییز دوره ششم، شماره ۲: ۱۲۷-۱۴۹.
- یزدان پناه لایلا (۱۳۸۷)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲۶: ۱۰۵-۱۳۰.

Friedenberg, E(1983), *Coming of Age in America*; New York, Unitage books.
 Homans,G(1958), *Social behavior as exchange*, AJS, No 63.
 Inglehart,R(2004), *Human Beliefs and values*, Buenos Aires, Argentina: siglo veintiuno Editores.

- Johnson, David (1993), *Reaching out: interpersonal effectiveness and self actualization*, Boston, Allyn and Bacon.
- Kelly, C & Sara, B(1996), *The social Pyschology of Collective Action*, London: Taylor.
- Paxton,P (1999), "Is Social Capital Declining in the United Stdtes? A multiple Indicator Assessment", *American Journal of Sociology*, Vol. 105, No. 1.
- Rahman, Mdanisnr (1993), *Peoples development*, London/ ed books.- Scot, B.M. & Schwartz, A(2000), *Sociology*, USA: Allyn and Bacon.
- Seeman, Melvin(1959), *On the Meaning og Alienation*, ASR,24, 783-791.
- Zmerli Sonja & Ken Newton (2008), *Social Trust and Attitudes Toward Democracy*, Public Opinion Quarterly.